

ادامه از صفحه اول

با توفان و سیل چه می‌توان کرد؟

استاد راهنمای من تنها از پیشنهاد استقبال کرد؛ بلکه شرایطی را فراهم آورد که با سفر به لندن بتوانم روش‌های مقابله با سیل در ایالات متحده را با انگلستان مقایسه کنم. پش‌هایی از سرزمین آمریکا شباهت زیادی با فلات ایران دارند و در توفان‌ها و سیل‌های اخیر همسانی زیادی با وضع اقلیمی ایران از خود نشان می‌دادند. من این دو کشور را در زمینه مبارزه با خسارات سیل مقایسه کردم. این مقایسه شامل سیاست‌ها، برنامه‌ها و توزیع مسئولیت میان دستگاه‌های مربوطه و تأمین اعتبارات و امکانات و وسایل مورد نیاز به هنگام رویداد سیل در مقیاس شهر و شهرستان و استان و نیز نقش دولت مرکزی و حفظ و تداوم هوشیاری بود. پایان‌نامه با تشویق و امتیاز بالا پذیرفته شد. سال‌ها بعد که به ایران آمدم و به هیئت علمی دانشگاه تهران پیوستم و با دستگاه‌های ذی‌ربط دولتی رفت‌وآمد داشتم، بارها علاقه خود را به مشاوره‌دان به مسئولان مربوطه در پیش از انقلاب و پس از انقلاب مطرح کردم؛ اما در مجموع از این برخورد‌های هرچند محترمانه، جز تعارفات متداول در دستگاه‌های دولتی چیزی در زمینه مشاوره و همکاری برای برنامه‌ریزی و پیشگیری به دست نیامد. به‌ویژه اینکه پس از انقلاب، دو‌کشور غربی مورد اشاره اعتبار معنوی خود را برای جمهوری اسلامی از دست داده بودند؛ اما دولت‌های ایران برای تأمین داروهای تخصصی و صنعت هوایی ازجمله خرید هواپیما از همین آمریکا اصرار دارند. تفاوت این دو گونه برخورد ناشی از این واقعیت است که کنترل و مدیریت سیل یک کار پردردسر است و شست بوروکراسی تبتل و سهل‌انگار را باز می‌کند؛ اما خرید دارو و هواپیما یک تجارت دلپذیر و پرانگیزه است. امروز هم اگر موج انتقادات به راه افتاده، به خاطر تازه‌بودن سیل‌ها و توفان‌های اخیر است. دولت‌های ایران در طول تاریخ معاصر، ذخیره پولی برای خرج‌کردن در موارد بحران نداشته‌اند. اگر اعتباری به امر نجات و بازسازی اختصاص می‌یابد، بسیار ناگافی است. نمی‌توان همه تقصیرها را به گردن دولتی که سر کار است، انداخت. در کشوری که ادعای برنامه‌ریزی میان‌مدت و بلندمدت دارد، باید نظام مبارزه و مدیریت رویدادهای ناشی از سیل و توفان در یک نظام آگاه و هوشیار به وجود آید و با گذشت زمان به فراموشی سپرده نشود. جایی که برنامه‌ریزی حقیقی وجود داشته باشد، مدیریت نظام‌مند جای جنجال و جیغ‌و‌داد بنفش را می‌گیرد. تاریخ هم همواره در کشوری مانند ایران درس لازم را به مسئولان داده است. راه مقابله با درهم‌ریختگی شرایط شهرها و روستاها و مرگومیر مردم بر اثر سیلاب‌های بزرگ، ناشناخته نیست. فردوسی بیش از هزار سال پیش گفته بود: «به جویی که یک روز بگذشت آب/ نسازد خردمند در آن جای خواب». اکنون نگاه کنید به آنچه در دروازه‌قرآن شیراز رخ داده است...

سرویش‌گذاری بر معضلات اجتماعی

یعنی آسیب اجتماعی، مترادف است با نوعی ناهنجاری. حال با علم به این‌حقیقت، دیگر نباید با تابوسازی و سرویش‌گذاری مواجه باشیم، چراکه عنوان آسیب اجتماعی، خود موبد وجه ناهنجاری‌بودن آن است و به‌صورت واضح خود را تعریف می‌کند.برای مثال، تکنید یا کتمان آمار طاق در جامعه یا میزان اعتیاد و مصرف دخانیات و مواد مخدر در مدارس، مصداقی بارز از این سرویش‌گذاری است. با نیندیرتن صورت‌مسئله، هرگز نمی‌توان گامی برای حل‌کردن آن برداشت. تولد روزانه دو نوزاد معناد در تهران و آمار ۱۰ هزار نفری کارتن‌خواب‌های این شهر، واقعیتی انکار‌ناپذیرند. طبعاً موضوعاتی مانند کودکان کار، زنان آسیب‌دیده و... با برخورد‌های قهری، تابوسازی و سرویش‌گذاری حل نخواهد شد.۴. از طرفی، نبود توجه درست به آموزش پایه، باعث تشدید مشکلات شده است. هر ایرانی، ۱۳ سال از عمر خود را در سیستم آموزش و پرورش سپری می‌کند؛ ۱۳ سالی که در آن، روی افزایش مهارت‌های اجتماعی، مدیریت مشکلات، چگونگی مقابله با آسیب‌های اجتماعی، مهارت‌های ازدواج و خودمراقبتی جنسی و روانی و... تمرکز جدی نمی‌شود. یک جوان پس از گرفتن دیپلم و گذراندن این ۱۳ سال، مهارت‌های لازم برای زندگی در اجتماع را ندارد.فیلم «اتاق تاریک»، بدون درنظرگرفتن قرم آن، یک اثر در‌خور توجه از تعد محتوایی است. بچه‌داری دو جوان، بدون هیچ‌گونه توانایی مدیریتی، حل و سپس خروج از بحران به‌جز باز فیلم است. در نتیجه، پیوسته بحران روی بحران تولید می‌شود. پدر و مادر این فیلم، شت مبتل به خرواری هستند از چرایی افزایش آسیب‌های اجتماعی در فقدان بحث آموزش پایه. در بهترین حالت، سیستم آموزشی ما صرفاً هشدار می‌دهد.مهارت‌آموزی به معلمان در این زمینه و دقت در انتخاب مشاوره‌ها و معلم‌های پرورشی، اولی‌ترین راهکار است. بخشی از بحران‌های موجود، ناشی از فاصله ذهنی فرزندان از والدین است و در این شرایط، فقط معلم و نهاد مدرسه می‌توانند کودک و نوجوان را از انتخاب راهکارهای آسیب‌زا برهاند.خوشبختانه در سال تحصیلی گذشته، برای نخستین‌بار برنامه پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی به مجموع برنامه‌های آموزش و پرورش اضافه شد. امید است وجه پرورشی این نهاد، برجسته شود.هرچند سازمان‌های مردم‌نهاد به‌صورت مستقل از دولت، تلاش‌های در‌خور توجهی در مقوله آسیب‌های اجتماعی داشته‌اند؛ اما چنین معضلاتی، بدون حمایت همه‌جانبه دولت (به‌ویژه از طریق آموزش پایه و آموزش عالی) نتیجه‌بخش نخواهد بود.

اقتصاد

شاکی و متهم پرونده در گفت‌وگو با «شرق» به حکم بدوی اعتراض کردند

پول دکل گمشده چه می‌شود



کرده و دکل فورچونا قرار نیست به ایران بیاید. دکل به مکزیک می‌رود، پول نزد شرکت Dean و در واقع رضا مصطفوی طباطبایی که در خارج از کشور بوده است، می‌ماند و تیتز «کم‌شدن دکل نفتی» روی خروجی خبرگزاری‌ها قرار می‌گیرد. پولی که قمار بود برای ایران یک دکل نفتی فراهم کند، طبق ادعای وکیل یکی از متهمان پرونده و اسنادی که «عمر کامل» به دادگاه ارائه کرده است، از سوی مصطفوی طباطبایی صرف سرمایه‌گذاری در صنعت شراب‌سازی شده است. طبق ادعای ایسن وکیل در گفت‌وگو با روزنامه قانون در اردیبهشت ۹۷، مصطفوی مبالغ چشمگیری نیز به کمپین تبلیغاتی ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا کمک کرده است.

شاکی: در صورت تصمیم هیئت مدیره اعتراض می‌کنیم

ابوالقاسم رحمانی، مدیرعامل شرکت تأسیسات ایران، درباره حکم صادرشده به «شرق» گفت: فردا (دوشنبه) جلسه هیئت مدیره شرکت برگزار خواهد شد و در آن موارد مطرح‌شده در حکم صادرشده را بررسی خواهیم کرد و احتمالاً نسبت به برخی از بدهای آن اعتراض خواهیم کرد. رحمانی در ادامه گفت: ما به عنوان شاکی این پرونده دو شکایت هم‌زمان در دادگاه لندن و همچنین دادگاه ایران اقامه کردیم و در حال حاضر حکم این دو دادگاه با هم تفاوت زیادی دارد. در حکم دادگاه ایران، تنها مسئله خیانت در امانت مطرح شده و خبری از رد مال که ۸۷ میلیون دلار از سرمایه این شرکت بوده نیست در حالی که در حکم دادگاه لندن چند نفر از متهمان به رد کامل ایسن مبلغ به‌علاوه بهره آن و تمامی هزینه‌های حقوقی ما به عنوان شاکی محکوم شده‌اند. رحمانی در پاسخ به این سؤال



۱۷هزارو ۸۰۰ واحد مسکونی در استان گلستان بر اثر جاری شدن سیل، آسیب دیدند

بیش از ۷ هزار مسکن، بلا استفاده شد

به‌صورت رایگان در نظر گرفته شده است. همچنین پروانه ساخت این واحدها و نظارت بر آنها رایگان است. زمانی‌نژاد با اشاره به اینکه هنوز برآورد خسارت‌ها به‌علت آب‌گرفتگی بخشی از آق قلا و کمیشان کامل نیست، افزود: کارشناسان به علت آب‌گرفتگی نمی‌توانند به خانه‌ها و اماکنی که آسیب دیده است، مراجعه کنند.

اشتباه گاهی رخ می‌دهد!

با توجه به اینکه در بازسازی پس از زلزله سرپل‌دهاب به گفته معتمدان محلی، برخی از مردم به علت افزایش هزینه‌ها، با کارشناسان بنیاد مسکن لایه کرده و واحد احدثی و تخریبی را به واحد تعمیراتی تبدیل کرده بودند، گفت: صد درصد کارشناسان واحدهایی را که براساس بررسی‌ها به احداث دوباره نیاز دارد، تخریبی اعلام می‌کنند، اما ممکن است گاهی در بررسی‌های کارشناسی اشتباهی رخ دهد و خانه‌ای تعمیری اعلام شده، اما بعدها تخریب شود. به‌رحال زمان اندک است و این اشتباهات ممکن است رخ دهد.

هشدار به مردم گلستان ۲/ خانه دیگر در آق قلا فروریخت

او همچنین در هشداریه به مردم سیل‌زده گفت: هرگز برای تبدیل خانه‌های خود به تعمیری با کارشناسان صحبت نکنند، زیرا خانه‌ها بر اثر سیل سست شده و این اقدام بسیار خطرناک است. خانه‌های خشت و گلی که با آب برخورد داشته‌اند، ممکن است درحال‌حاضر سر پا باشند، اما در زمانی کوتاه و حتی با کوچک‌ترین تکان‌ها، فرومی‌ریزند. همین دیروز دو خانه خشت و گلی دوطبقه در آق قلا که سر پا بودند، یک‌باره فروریختند.

بازگشت بدون مجوز به خانه‌ها، ممنوع

این مقام مسئول همچنین با اشاره به تمهیداتی که با همکاری ارگان‌ها برای حفاظت از جان مردم در نظر گرفته شده است، گفت: اقدام دیگری که از سوی ما در نظر گرفته شده، آن است که با خانوارها اعلام کرده‌ایم اگر قصد بازگشت به خانه‌های خود را دارند، کمیته‌ای شامل کارشناسان بنیاد مسکن، وزارت راه و شهرسازی، شهرداری، سازمان نظام مهندسی و دفتر فنی استانداری استان باید استحکام بنا را تأیید کند تا اجازه بازگشت به خانه داده شود، درغیراین‌صورت مردم نمی‌توانند به آن خانه‌ها برگردند. این تصمیم، به تصویب سازمان مدیریت بحران نیز رسیده است. از او درباره مدت‌زمان بازگشت به خانه‌ها می‌پرسم. او خبر می‌دهد که احتمالاً بین ۱۰ تا ۱۵ روز طول بکشد تا این تأییدیه‌ها انجام شود، اما درحال‌حاضر تعداد کمی از خانواده‌ها برای برگشتن به

خانه‌های خود اقدام کرده‌اند و ممکن است در برخی روستاها مردم به خانه‌هایشان برگشته باشند. این هشدار بیشتر معطوف به خانه‌های خشت‌وکلی است و کمتر شامل خانه‌ها با اسکلت بتونی است.

احتمال تبدیل واحدهای تعمیراتی به احدثی

زمانی‌نژاد با هشدار نسبت به اینکه ممکن است در آینده باز هم با نشست زمین روبه‌رو باشیم و آمارها تغییر کند، می‌افزاید: این برآوردها وحی منزل نیست. درحال‌حاضر اعلام وضعیت واحدهای تعمیراتی نوع یک و دو داریم. تعمیراتی نوع یک مربوط به خانه‌هایی است که خسارت بیشتری دیده‌اند. اگر واحد نوع یک بریزد، فرد می‌تواند برای دریافت تسهیلات احداث اقدام کند.

به گفته او، نگرانی ما آن است که مردم در خانه‌ها باشند و خانه‌ها بریزند که در آن صورت فاجعه رخ می‌دهد، به همین دلیل هم سخت‌گیری بیشتری نسبت به این موضوع اعمال می‌کنیم.

شیوه همکاری در ساخت واحدهای مسکونی

این مقام مسئول، شیوه ساخت و بازسازی خانه‌ها را نیز این‌گونه بیان می‌کند: اگر مردم کسی را که سازنده است می‌شناسند که بنیاد مسکن نیز او را تأیید می‌کند، می‌توانند به‌عنوان سازنده برای ساخت مسکن از او کمک بگیرند، اما علاوه‌برآن، با چند سازنده صحبت کرده‌ایم که به منطقه بروند و با مردم صحبت کنند تا مردم از نرخ‌ها آگاه شوند تا با همان نرخ روز یا کمتر، مشارکت در ساخت خانه‌ها با نظارت بنیاد مسکن انجام شود.

او همچنین در جمع خبرنگاران استان گلستان هم اعلام کرده بود: کلنگ احدات نخستین واحدهای مسکن روستایی در روستای چن‌سیبلی از توابع آق قلا با حضور مسئولان به زمین زده شده است.

احتمال دوباره فرونشست زمین در گلستان

حسین محبویی، مدیرکل دفتر مسکن و شهرسازی استان گلستان، نیز در گفت‌وگو با «شرق» با اشاره به کمیته‌های کارشناسی متشکل از کارشناسان بنیاد مسکن، وزارت راه و شهرسازی، شهرداری، سازمان نظام مهندسی و دفتر فنی استانداری استان، از نظارت‌های در آینده واحدهای مسکونی و شیوه ساخت‌وساز در استان نیز خبر داد.

به گفته او، در برخی از موارد نشست‌ها و تخریب‌ها ممکن است بعداً رخ دهد و به همین علت، شهرداری و فرمانداری‌ها افزایش تخریب‌ها را نظارت می‌کنند و اگر چنین شده بود، دستور تخلیه و تخریب اماکن صادر می‌شود.

یادداشت

توسعه به شیوه سافاری‌بارک قزوین

کمیل سوهانی

● فرهنگستان زبان فارسی، پیشنهاد داده است که به‌جای واژه «سافاری» از «وحش‌گشت» استفاده شود. وحش‌گشت به سفری می‌گویند که با هدف دیدن جانوران وحشی و بزرگ‌جثه در آفریقا انجام می‌شود. در وحش‌گشت، گردشگران توسط انواع خودروهای قفس‌دار از حیوانات وحشی دیدن می‌کنند. حیوانات وحشی و بزرگ‌جثه امّا این‌بار قرار است در جایی نزدیک‌تر از آفریقا در معرض دید ما قرار گیرند؛ جایی در شمال‌شرقی شهر قزوین و در منطقه نمونه گردشگری باراجین. ۲۵ بهمن‌ماه ۹۷ شهردار قزوین در گفت‌وگو با ایرنا با اشاره به اعتبار صد میلیاردی این پروژه گفت: برای فاز نخست این مجموعه دو میلیارد ریال با طراحی هفت زیستگاه حیوانات وحشی، از جمله شیر، خرس، ببر، گرگ و قوچ، برندگان شکاری، مرال و گرگ به همراه چهار دریاچه مصنوعی در نظر گرفته شده که سه دره آن به بهره‌برداری رسیده است. به گفته روابط‌عمومی شهرداری قزوین، این سافاری‌پارک در کنار دیگر جاذبه‌های گردشگری درنظرگرفته‌شده، شامل انواع رستوران‌ها، سینماها، تالارهای پذیرایی، آلاچین‌ها، جنگل‌های مصنوعی، فضاهایی برای کوهنوردی، امکاناتی مربوط به ورزش‌های زمستانی، سورت‌مرئانی، تله‌سیز و تله‌کابین و بسیاری امکانات دیگر، قرار است منطقه نمونه گردشگری باراجین قزوین را به قطب گردشگری منطقه تبدیل کند. این حجم از تأسیسات تفریحی و گردشگری در کنار امکان مشاهده بی‌واسطه زندگی انواع حیوانات، از شیر تا گرگ در دره‌ها و آبشارها و دریاچه‌هایی در شمال قزوین واقعاً هیجان‌انگیز است. نکته‌ها طبیعت وحشی آفریقا را نزدیک ما می‌آورند، بلکه هم‌زمان امکانات ورزش‌های زمستانی را هم برپایمان فراهم می‌کنند. چه چیزی بهتر از این؟ برنامه‌ریزی برای اجرای این حجم از پروژه‌های شوراانگیز به‌منظور توسعه گردشگری قزوین از طرف مسئولان این شهر به‌راستی جای تشکر دارد، اما ضمن تشکر و خسته نباشید جای یک سؤال کوتاه نیز باقی است. احیاناً این دریاچه‌ها، پارک‌ها، آبشارها و دیگر تأسیسات نیاز به آب دارند، با لازم برای راه‌اندازی آنها از کجا قرار است تأمین شود؟

نزدیک به هزار سال پیش، یعنی زمانی که جمعیت شهر قزوین بسیار کمتر از جمعیت کنونی بود، احیاناً بارش برف بر رشته‌کوه البرز بسیار بیش از میزان امروز آن، ناصرخسرو قبادیانی در سفر خود در روز دهم محرم به قزوین رسید و نوشت: «دهم محرم به قزوین رسیدیم، باغستان بسیار داشت، بی دیوار و خار و هیچ مانعی از دخول در باغات نبود و آن نهاده، مگر آنکه آب در وی اندک بود و منحصر به کاریزها در زیر زمین». توصیف موجز ناصرخسرو از قزوین، حاوی نکات مهم و قابل‌تأملی است؛ مثلاً اینکه چگونه شهری که کم‌آب است می‌تواند آباد بوده و باغ‌های فراوان داشته باشد. باغستانی که تاصرخسرو به سفرنامه خود از آن یاد می‌کند تا چند دهه پیش مانند حلقه سبزی از انبوه درختان بادام و پیسته و بوته‌های انگور در سبزی حدود چهار هزار هکتار دورتا‌دور شهر قزوین را فراگرفته بود. به مرور زمان و با افزایش طرح‌های توسعه شهری از وسعت این باغستان کاسته شده و اکنون در مساحتی حدود دو هزار و ۵۰۰ هکتار، از سه طرف شهر قزوین را دربر گرفته است. یکی از کارکردهای اساسی باغستان سنتی قزوین تبدیل تهدید سیلاب‌های فصلی البرز به فرصت بوده است. باغات باغستان به‌صورت حوضچه‌هایی در کنار هم قرار گرفته و با کُرت (مرز)‌هایی به ارتفاع ۵، تا ۱۰،۵ متر از هم جدا می‌شوند. باغات، در فصل بارندگی، به نوبت تا ارتفاع کُرت‌ها بر از آب می‌شوند و این آب به مرور در خاک نفوذ می‌کند. جریان باغستان و بوته‌های انگور، با همین یک یا دوبار آبیاری در سال به حیات خود ادامه داده و بهترین محصولات را به بار می‌آورند. این سیستم موجب نفوذ تدریجی آب به سِره‌های زیرزمینی شده و آبخوان‌های دشت قزوین را سیراب می‌کند، همچنین سیلاب، مواد غنی کوهپایه را به باغستان هدایت کرده و خاک باغستان دائماً بازسازی می‌شود. این سیستم مانند سد در برابر کانون‌های تولید ریزگرد در استان قزوین قرار گرفته و به هوای شهر رطوبت و تازگی بخشیده و در فصول گرم دمای شهر را چهار تا شش درجه کاهش می‌دهد. باغستان تأثیرات فرهنگی، اجتماعی بسیاری بر مردم قزوین داشته و به طور مشخص بسیاری از روابط انسانی و رفتارهای اجتماعی در قزوین متأثر از باغستان بوده است. هنوز هم نوبت‌دهی آبیاری در باغستان بر مبنای طوماری که مه‌پور به مهر حمدالله مستوفی است انجام می‌شود. بازگردیم به پروژه‌های منطقه نمونه گردشگری باراجین. تنها امکان تأمین آب برای طرح‌های بلندپروازانه این پروژه، رودخانه‌ای است به همین‌نام که از کنار این منطقه عبور می‌کند. از قضا رودخانه باراجین در پایین‌دست خود ۹۵۰ هکتار از باغ‌های باغستان را هم سیراب می‌کند. برداشت از آب این رودخانه در بالادست از مدت‌ها پیش آغاز شده و اجرایی‌شدن کامل این طرح‌ها مستلزم استفاده حداکثری از آب این رودخانه در به نتیجه از بین‌رفتن ۹۵۰ هکتار از باغ‌های باغستان در پایین‌دست آن است. اکنون که برنامه‌ریزی‌های لازم برای قربانی‌کردن باغستان هزارساله قزوین در پای شیر و ببر و کروکودیل سافاری‌پارک توسط مسئولان استانی انجام شده و رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست هم در بهمن‌ماه در مراسم افتتاح فاز اول آن شرکت کرده است،

ادامه در صفحه ۵